



خطبه‌های نماز جمعه قزوین
توسط آیت‌الله عبدالکریم عابدینی
(نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین)

۹۶/۹/۱۰



خطبه اول



قال الله الحكيم في كتابه الكريم:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (الحجرات/ ۱۳)

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت
ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی
متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما
نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند
دانای آگاه است

معیار برتری در بین مرد و زن و نژادهای مختلف

خدای متعال در این آیه شریفه ما را به تقوا دعوت
کرده و نشان داده است که همه انسان ها از زن و
مردی آفریده شده اند؛ همه انسان ها، سیاهپوست
و سفیدپوست، زن و مرد، همه از یک منشأ پدید
آمده اند و فرموده است که ما در این زمین شما را
به صورت قبائل و طوائف انتشار دادیم تا یکدیگر
را بشناسید. حالا در این میان و در این معرکه چه
کسی بالاتر است؟! مردان بالاتر هستند؟! زنان بالاتر

هستند؟! آنهایی که سفید پوست هستند بالاتر
هستند؟! آنهایی که سیاه پوست هستند بالاتر
هستند؟! اهمیت چه کسی بیشتر است؟! چه کسی
نمره بالاتری در پیشگاه خدا دارد؟! خداوند می
فرماید **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**؛ گرانبهاترین،
قیمتی ترین، با فضیلت ترین و ارزشمند ترین شما
آن کسی است که در تقوا نمره بالاتری دارد، آن
کسی است که در انجام دستورات الهی از دیگران
سبقت گرفته است، آن کسی است که هیچگاه
نمی توانید او را در بدی ببینید، همواره آنجایی
است که خدا می خواهد، این معیار برتری انسان
ها است، هیچ چیز دیگری نیست؛ علم، دانش،
ثروت، موقعیت ظاهری، قوم و قبیله نیست، فقط
تقوا است که با آن نمره انسانیت انسان تعیین می
شود؛ **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**،

نماز جمعه بسیج عمومی برای رسیدن به تقوا

این مهم ترین وظیفه همه ما است؛ چه آن
کسی که خطیب جمعه است و چه آن کسانی که

در نماز جمعه شرکت می‌کنند؛ مثل این که نماز جمعه بسیج عمومی برای رسیدن به تقوای الهی است. به همین مناسبت حدیثی را از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کنم. هثیم بن واقد می‌گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى

گناه ذلت می‌آورد

مَنْ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي معنایش این است که اگر انسان به گناه گرفتار باشد، در ذلت زندگی می‌کند؛ مثلاً کسی که دروغ می‌گوید، در ذلت زندگی می‌کند، آدم با عزت که دروغ نمی‌گوید؛ کسی که غیبت می‌کند، آدم ضعیفی است و دارد در عالم ذلت سر می‌کند؛ اگر آدم عزت داشته باشد و باشخصیت باشد، آدم فرهیخته و بزرگی باشد و به قول قرآن آدم باتقوا و باکرامتی باشد، غیبت نمی‌کند؛ کسی که لقمه حرام می‌خورد، ابایی ندارد پولی را که می‌خواهد مصرف کند حرام است یا حلال است؛ اگر با عزت باشد، اگر ضعیف و ذلیل نباشد، لقمه حرام نمی‌خورد؛ تو که می‌توانی با لقمه حلال خودت را سیر کنی، چرا به لقمه حرام روی می‌آوری؟! این نشانه پستی و ذلت انسان است، در همه گناهان همینطور است، سرسپردن به ستمکاران یعنی ذلت، یعنی از دست دادن حریت و آزادی انسان.

هماهنگی زندگی با تقوا عزت‌آفرین است

مَنْ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى؛ اگر خدای متعال کسی را از ذلت گناه بیرون بیاورد و او را در عزت تقوا قرار دهد یعنی زندگی اش با تقوا هماهنگ باشد، هرچیزی خدا فرموده بد است، بگویند این برای من ذلت می‌آورد، من به دنبال آن نمی‌روم، بگویند هر چیزی را که خداوند دستور داده است، عزت من را تأمین می‌کند و من

هم به دنبال همان می‌روم؛ اگر خداوند کسی را به اینجا برساند، از ذلت معاصی بیرون بیاید و به عزت تقوا مزین شود **أَغْنَاهُ اللَّهُ بِلَا مَالٍ** بدون این که ثروتمند باشد، اما خدا به او روح بی نیازی را عنایت می‌کند. می‌دانید که ثروت آدم را بی نیازی نمی‌کند، خدا آدم را بی نیازی می‌کند، و لذا ممکن است یک نفر هرچه ثروتش بیشتر شود، حرصش هم بیشتر شود؛ یعنی حریص می‌شود، مثل این که بیمار جمع آوری ثروت است، حریص می‌شود هرچه است و هرکجا است، برای خودش جمع کند، این آدم محتاجی است، ولو پولدار است، پولدار گدا، پولدار محتاج، پولدار نیازمند، پولدار درمانده و فقیر است. اما ممکن است کسی از نظر مالی چیزی نداشته باشد اما خدای متعال به او بی نیازی عنایت کرده باشد، همان مختصری را که دارد، با عزت از آن استفاده می‌کند و با برکت از آن بهره می‌گیرد؛ پس اگر خدا کسی را از گناه نجات بدهد و به عزت تقوا برساند **أَغْنَاهُ اللَّهُ بِلَا مَالٍ** بدون این که مال داشته باشد، بی نیاز است، درمانده نیست، خودش را محتاج این و آن نمی‌بیند.

وَأَعَزَّهُ بِلَا عَشِيرَةٍ همچنین بدون این که قوم و قبیله ای او را حمایت کنند و این و آن از او پشتیبانی کنند، خدا به او عزت می‌دهد، کسی را ندارد اما عزت دارد. ممکن است یک نفر قوم و قبیله داشته باشد اما چون در گناه زندگی می‌کند، ذلیل است، آن کسی که در بندگی به سر می‌برد و با خدای عزیز هماهنگ است، بدون کس و کار هم در عزت به سر می‌برد.

وَأَنَسَهُ بِلَا أُنِيسٍ؛ بدون این که انیس و مونس داشته باشد، در یک آرامش و انس و آسایشی زندگی می‌کند، در طمأنینه زندگی می‌کند، در راحتی زندگی می‌کند، وحشت و استرس در زندگی او نیست، گوشه گیری در کار او نیست، زیرا **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**، این آرامش دل با یاد خدا

وَمَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ مِنْهُ
بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ؛ اگر کسی به رزقی که خدا برایش
تعیین فرموده است، رضایت بدهد، خدا هم همان
عمل اندکی را که او انجام می‌دهد، به همان عمل
و کار اندک، رضایت می‌دهد و همان کار کم او را
می‌پذیرد و از او قبول می‌کند.

یک توصیه به فارغ التحصیلان

در کنار یادآوری به مسئولین

وَمَنْ لَمْ يَسْتَحِ مِنْ طَلَبِ الْمَعَاشِ خَفَّتْ مُؤْنَتُهُ
وَنَعَمَ أَهْلُهُ؛ اگر کسی برای این که رزق و روزی
برای خودش تحصیل کند، حیا نکند، خدا
معیشت را برای او و اهل و عیالش سبک و آسان
می‌کند؛ یعنی خانواده او را از نعمت برخوردار می
کند. مثلا نمی‌گوید که مدرک من چنین و چنان
است، پس باید بروم مثلا فلان کار را انجام بدهم،
من تحصیل کردم و این مدرک را دارم، پس باید
فقط باید در رشته خودم کار کنم؛ البته ما به دولت
مردان یادآوری می‌کنیم که وقتی دانشجوی ما
در یک رشته ای تخصص پیدا کرده است، زمینه
شغل برای او باید در همان رشته تخصصی خودش
فراهم شود؛ اگر شغل وجود ندارد، چرا شما اسم او
را می‌نویسید و سالیان سال او را در دانشگاه مشغول
درس و تحصیل می‌کنید؟! هزینه های هنگفتی
از مملکت خرج این دانشجو می‌شود تا مدرکش
را بگیرد. می‌پرسند چکاره هستی؟! می‌گوید من
مهندسی کشاورزی هستم اما بی‌کارم، من مهندسی
صنعت خوانده‌ام اما شغلی پیدا نمی‌کنم، من
در مدیریت صنعتی تخصص پیدا کرده‌ام اما کار
کجاست؟! شغلی پیدا نمی‌شود. پس ما باید اول
زمینه شغل را پیدا کنیم و متناسب با آن شغل،
دانشجو را به تحصیل ارشاد کنیم.
اما اگر شرایط طوری شد که یک نفر تحصیل
کرده و مدرک گرفته است اما می‌خواهد به کاری

درست می‌شود، پیدا می‌شود، نه با پول پیدا می
شود، نه با قبيله پیدا می‌شود، نه با مقام پیدا
می‌شود، نه با قدرت پیدا می‌شود، با هیچ‌کدام
از اینها آرامش پیدا نمی‌شود؛ حتی با علم هم
آرامش پیدا نمی‌شود، هیچ چیزی نمی‌تواند برای
آدمی آرامش بیاورد اما یاد خدا، نام خدا، همراهی و
هماهنگی با خدا آرامش می‌آورد؛ برای همین هم
خدا اسم کتاب خودش را ذکر گذاشته است، یکی
از اسم های قرآن ذکر است، **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ
الْقُلُوبُ**، اگر با قرآن هماهنگ و همراه شدید و
طبق قرآن زندگی کردید، قطعاً در آرامش زندگی
می‌کنید، در غیر اینصورت دیگر هیچ کجا آرامش
پیدا نمی‌شود.

وَمَنْ خَافَ اللَّهَ أَحَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ؛ هر کس از
خدا واهمه داشته باشد، یعنی وقتی که می‌خواهد
گناه کند از خدا بترسد، از عقوبت گناه فاصله
بگیرد، یعنی بخاطر خدا از گناه فاصله بگیرد، خدا
کاری می‌کند که همه عالم از او بترسند، همه عالم
از او حساب ببرند؛ بزرگان و پیغمبران خدا اینطور
بودند، رسول گرامی اسلام ﷺ در ظاهر چیزی در
اختیارشان نبود اما همه کفار و مشرکین، ایران آن
زمان که قدرت بزرگی بود و روم که قدرت مهمی به
حساب می‌آمد، از ایشان واهمه داشتند؛ پادشاهان
و قدرتمندان و ثروتمندان و مشرکان و کفار جزیره
العرب، همه و همه از کسی که یتیمی را پشت سر
گذاشته و تنها بود، می‌ترسیدند، حتی بعضی از افراد
قبيله اش مثل عمویشان، با او مخالفت می‌کرد اما
چون با خدا بودند همه عالم از او حساب می‌برند.
وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَحَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛
اگر کسی از خدا حساب نبرد و حسابش را با خدا
مشخص نکند، از هر چیزی وحشت دارد، از سایه
خودش هم می‌ترسد، چون با خدا هماهنگ
نیست، چون آرامش ندارد، چون تکیه گاهی برای
او تعریف نشده است، او از هر چیزی می‌ترسد.

مشغول شود که با مدرکش نمی‌خواند، نباید حیا کند که شغلی وجود دارد که از عهده آن برمی‌آید؛ اگر اینگونه باشد، خدا معیشت را برای او و برای اهل و عیال او آسان می‌کند، یعنی خداوند از آن راه برکتش را نصیب این بنده خواهد کرد.

وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثَبَّتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ؛ اگر کسی نسبت به دنیا زهد بورزد و بی‌رغبتی نشان بدهد، به دنیا حریص نباشد، هم او این باشد که در دنیا با دیگران مسابقه بدهد، خدا حکمت را که گرانقیمت‌ترین متاع ملکوتی و آسمانی است، در دل او محکم می‌کند. ممکن است بعضی‌ها حکمت را علم معنا کنند، این درست نیست، حکمت علم خاصی است، علم خدائی است، علم جوششی و درونی است، موهبت ملکوتی و خدائی است، انبیاء علیهم‌السلام حکمت آورده‌اند.

در چه جاهایی تشویق به مسابقه شده‌ایم؟

هیچ کجا نداریم که برای جمع کردن دنیا، زیاد کردن ثروت، تصاحب پست و مقام، تشویق به مسابقه شده باشیم، اینطور مسابقه را در اسلام نداریم. در تواضع تشویق به مسابقه شده‌ایم، در انفاق تشویق شده‌ایم که مسابقه بدهیم، اگر در مسابقه کمک به محرومان، مثل زلزله زدگان، شرکت کنیم، هر کسی که بخواهد از دیگری جلو بزند، تشویق می‌شود.

در بحث صلّه رحم، از یکدیگر بپرسیم چند روزی یکبار به پدر و مادر خودت سر می‌زنی؟! اگر شما بگویید که اگر تو ده روزی یکبار سر می‌زنی، من پنج روزی یکبار سر می‌زنم، در این مسابقه برنده هستید. ما در اینطور جاها مسابقه داریم، در علم مسابقه داریم؛ بیاییم در دانش و تخصص مسابقه‌ای برخورد کنیم، در فهم قرآن مسابقه بدهیم؛ شما چند آیه قرآن را در زندگی خود به کار بسته‌ای و آن زندگی می‌کنی؟! معنای آن را فهمیده‌ای؟!!

به فرزندت می‌گویی بین خدا چه فرموده است؟! برای او توضیح می‌دهید و می‌گویید منظور خدا این است. ما در این چیزها مسابقه داریم اما در جمع مال دنیا، در تصاحب پست و مقام و اینها مسابقه نداریم. اما متأسفانه در جامعه ما طوری شده است که وقتی بحث پست و مقام و جایگاهی می‌شود، همه در میدان مسابقه می‌افتند، یک عده به عنوان کسانی که می‌خواهند آن پست را بگیرند، عده‌ای هم به عنوان هواداران کسانی که دنبال آن پست و مقام هستند؛ همه دارند مسابقه می‌دهند، آن مسابقه‌ای که دین ما را تشویق می‌کند، مسابقه **فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ** است، هرچیزی که خیر است از همدیگر سبقت بگیرید؛ حضرت در اینجا هم می‌فرماید **وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا** اگر می‌خواهی مسابقه بدهی در زهد از دنیا مسابقه بده، این ارزشمند است.

علماء نجف جمع شدند و جلسه گرفتند و مرجعیت جهان اسلام و شیعه را به شیخ انصاری پیشنهاد کردند؛ گفتند تو دیگر بزرگ عالم اول جهان تشیع هستی، شیخ انصاری فکر کرد و گفت من یک استادی داشتم، الان نجف نیست، به مازندران رفته است، اسم او شریف العلماء است، او استاد من بوده است، او نسبت به من اولی است، علماء نجف می‌دانستند که شیخ همینطوری تعارف نمی‌کند، دو نفر را مأمور کردند که نامه‌ای را برای شریف العلماء مازندرانی ببرند و تقاضای علماء نجف را به او برسانند. آن زمان این مسیر طولانی را طی کردند و به شریف العلماء رسیدند و فرمایش شیخ انصاری و تقاضای علماء نجف را به او گفتند که تو باید مرجعیت را بپذیری. او هم فکر کرد، تعارف نکرد، گفت شیخ انصاری درست گفته است که من از او اعلم هستم اما این حرف برای چندین سال قبل است، آن موقعی که من نجف بودم، به درس مشغول بودم اما الان سالیان سال

است که شیخ انصاری به درس و بحث مشغول است، من دیگر نیستم؛ آن ذکاوت و هوشمندی که شیخ انصاری دارد، مطمئن هستم که او الان از من اعلم تر است. ببینید بزرگان ما اینطوری با همدیگر مسابقه می دادند، این یعنی زهد.

وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا اگر کسی در زندگی اش زهد پیشه کند و نسبت به دنیا بی رغبت باشد، خدا کاری می کند که زبانش به حکمت گویا شود، نطقش حکمت شود، خدا کاری می کند که این آدم دنیا را خوب بشناسد، عیب دنیا را بشناسد، درد دنیا را بشناسد، دواء آن را هم بشناسد.

وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ در نهایت هم خدا این آدم را از دنیا سالم به سمت بهشت به حرکت درمی آورد و می برد، از دنیا هم که می رود سالم می رود، با ایمان سالم، با آبروی خوب، با قلب سلیم.

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (الشعراء/ ۸۹)

مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد خداوند قلب سالم را روزی او می کند. اینها خیر دنیا و آخرت است، اینها همان حقیقت تقوای الهی است. وقتی که ما قرآن قرائت می کنیم، به دنبال تقوا هستیم، وقتی که عبادت می کنیم و نماز به جا می آوریم، خدا محصول تقوا را به ما عنایت می کند، وقتی که روزه می گیریم به دنبال تقوا هستیم، وقتی که انفاق می کنیم و خمس و زکات می پردازیم، به دنبال تقوا هستیم؛ تقوا یعنی همین حقائق که از زبان امام المتقین حضرت امام صادق علیه السلام شنیدیم.



خطبه دوم |

اوصیکم عبادالله و نفسی بتقوا الله و نظم امرکم . از خدای متعال درخواست می کنیم ما را کمک کند و دست ما را بگیرد تا همگی برای اجرای فرمان خدا حرکت کنیم ، برای این که خدائی زندگی کنیم و متقی باشیم .

تبریک میلاد حضرت ختمی مرتبت فقط مختص مسلمانان نیست

مهم ترین مناسبت این هفته میلاد حضرت ختمی مرتبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و میلاد حضرت امام صادق علیه السلام است ، دربارہ میلاد رسول خدا دو قول است ، یک قول دوازدهم ربیع الاول و قول دیگری هفدهم ربیع الاول است ، برادران اهل سنت ما دوازده ربیع الاول را جشن می گیرند و در میان شیعه هفده ربیع الاول ، میلاد حساب می شود ، امام رضوان الله تعالی علیه این دو را جمع کردند؛ حقیقت هم آن است که ما هم نمی توانیم به یک روز جشن برای میلاد اشرف کائنات و مخلوقات قانع باشیم ، بهتر است زمان بیشتری داشته باشیم و چه بهتر که این زمان باعث وحدت بین همه فرقه های اسلامی

شود، بنابراین از دوازدهم تا هفدهم به عنوان هفته وحدت نامگذاری و این جشن چند روزه به این شکل برگزار می شود، این جشن را به همه مسلمانان جهان و بلکه به همه مردم عالم تبریک عرض می کنیم.

وقتی می گوئیم مسلمان ها شاید فکر کنیم که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فقط برای مسلمان ها است، مسلمان ها به آن حضرت لبیک گفتند و الا حضرت رحمة للعالمین است، برای همه اهل عالم بشارت آورده است، قرآن را برای همه عالم آورده است، قرآن هم رحمة للعالمین است، پس هم به اهل عالم تبریک عرض می کنیم و هم خود را مهیا می کنیم که این شخصیت بزرگ را بیشتر بشناسیم و نقش آفرینی آن حضرت را در زندگی خود داشته باشیم.

عدم محدودیت رسالت پیامبر به مکان و زمان خاص

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در میان همه پیغمبرانی که خدا به رسالت مبعوث کرده است فرق می کنند. یک فرق ایشان این است که معمولا پیغمبران، پیغمبران یک منطقه خاص و یک ملت مشخص بودند، حضرت عیسی ﷺ پیغمبر است، خدای فرماید ببینید عیسی بن مریم ﷺ به بنی اسرائیل گفت:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (الصف/۲)

و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او احمد است، خدا من را برای شما بنی اسرائیل فرستاده است، این محدوده حضور حضرت عیسی بن مریم است، پیغمبران دیگر هم این محدودیت را داشتند،

محدودیت مردمی و محدودیت مکانی؛ حیطة رسالت آنها باز نبوده است، یا محدودیت زمانی داشتند؛ بعد از پیغمبری آمده اند و تا پیغمبر بعدی بیاید نوبت نبوت او بوده است، بعد که پیغمبر جدید آمده است دیگر این مسئولیت نبوت و رسالت به عهده آن پیغمبر جدید، اما درباره پیغمبر ما این محدودیت وجود ندارد، او رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ تا قیام قیامت است، وقتی صحبت پیغمبران گذشته به میان می آمد، پیغمبر قبلی پیغمبر بعدی را معرفی می کرد، اما وقتی صحبت از پیغمبر ما می شود هر پیغمبری پیغمبر قبلی خود را تصدیق می کرد، پیغمبر بعدی را معرفی می کرد اما نسبت به پیغمبر ماهم بشارت می دهد؛ در همین آیه ای که راجع به حضرت عیسی ﷺ قرائت کردم بشارت پیامبر ما آمده است.

خدا می فرماید نگاه کنید عیسی بن مریم به بنی اسرائیل چه می گوید او گفت **مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ**، من تورات را که قبل از من بوده است تصدیق می کنم **وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ** حضرت عیسی ﷺ بشارت آمدن پیامبر خاتم ﷺ را حدود ششصد سال قبل از ولادت ایشان داده است، این بشارت قبل از حضرت عیسی ﷺ در تورات و در زمان حضرت عیسی ﷺ در انجیل آمده است.

خدا وقتی که راجع به پیغمبر ما صحبت می کند می فرماید این پیغمبر همان شخصی است که **يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ**، این شخص هم در تورات و هم در انجیل مکتوب است و ما درباره آن صحبت کردیم، این افراد حتی ویژگی های چهره آن حضرت را می دانند، همه ویژگی های آن حضرت را می دانند؛ خصوصیات او را در کتاب خودشان دیدند انجیل حدود ششصد سال قبل از میلاد حضرت و تورات خیلی بیشتر از آن این مطلب را گفته است، قبل از موسی ﷺ و عیسی

حضرت ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام دعا می کردند. در قرآن بخشی از دعا‌های ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را که مربوط به حضرت رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آمدن این بزرگ است، ملاحظه فرمودید. مثلاً دعا می کند که:

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (البقرة/ ۱۲۹)

پروردگارا در میان آنان فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که تو خود شکست ناپذیر حکیمی

خدایا در میان آن کسانی که قرار است بیایند و دور خانه خدا بچرخند، از میان آنها رسولی را از خودشان مبعوث فرما تا آیات تو را بر مردم تلاوت کند. چه موقع حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام این را فرموده است؟! **وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ** کتاب و حکمت به مردم یاد بدهد، **وَيُزَكِّيهِمْ** آنها را پاک کند، **إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** اینها نشان می دهد که بنای همه انبیاء بر این بوده است که درباره پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بشارت ها را بدهند و نتیجه آن این شده بود که قبل از میلاد حضرت، جهان منتظر این میلاد بود، همه عالم چشم انتظار این بود که قرار است کسی بیاید؛ مثل این وضعیتی که ما درباره امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ داریم؛ چون رسول گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و امامان یکی پس از دیگری، بشارت این عزیز و خاتم الاوصیاء را به ما دادند، همانطوری که انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام خاتم الانبیاء را بشارت دادند، امامان هم خاتم الاوصیاء را بشارت دادند و همانطوری که ما الان منتظر ظهور حضرت هستیم، مردم قبل از میلاد حضرت منتظر ولادت آن حضرت و ظهور آن حضرت بودند، این هم از ویژگی های رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

کار امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم در کنار ائمه دوازده گانه این بوده است که آنچه را که پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام قرآن آورد، برای مردم توضیح بدهند و مشخص کنند که قرآن یعنی چه؟! ائمه ما عَلَيْهِمُ السَّلَام به دو شکل قرآن را تفسیر کردند، یک شکل بیانی و زبانی و یک شکل عملی و رفتاری. شکل بیانی آنها همه احادیثی است که گفته شده است، نهج البلاغه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام تبیین و توضیح و تفسیر حقایق قرآنی است، فرمایشات ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، صحیفه سجادیه، همه آنچه که می گوئیم قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَام، قال الباقر عَلَيْهِ السَّلَام و هر امام دیگری را که می گوئیم، با بیان خودشان اسرار قرآن را برای ما باز کردند و توضیح و درس دادند.

شکل دیگر هم این است که عملاً تفسیر کردند، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در تمام عمرشان هر کاری کردند، تفسیر قرآن بود، امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، کربلای ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام، سیره و سنت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، همه امامان ما با عمل خودشان هم قرآن را تفسیر کردند؛ یعنی حدود ده برابر زمان نزول قرآن که ۲۳ سال طول کشید، زمان ظهور ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام بود، اگر زندان بودند، اگر به شهادت رسیدند، اگر جنگیدند، اگر خانه نشین بودند، در هر شرائطی که بودند، در عمل به ما نشان دادند که اگر برای شما هم هر شرائطی پیش آمد، اینطور رفتار کنید و حدود صد برابر حجم قرآن هم بیان کردند، فرمایشات خودشان را گفتند، تا این که ما بتوانیم براساس قرآن و براساس تقوای الهی زندگی کنیم.

وحدت در کنار اختلاف معنا پیدا می کند هفته وحدت را هم با این آیه شریفه قدردانی می کنم:

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ

قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (آل عمران/ ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید همه شما به ریسمان خدا متوسل شوید، ریسمان خدا را بگیرید، ریسمان خدا چیست؟! **حَبْلِ اللَّهِ** قرآن است، همه بیابید پای قرآن، **حَبْلِ اللَّهِ** علی بن ابی طالب ع است، **حَبْلِ اللَّهِ** ائمه اطهار ع خاندان عصمت و طهارت ع است، **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا** همه باهم؛ نه اینکه یک نفر خودش بگوید من خیلی به قرآن و اهل بیت ع محبت دارم و ارادت می‌ورزم، تنهائی فایده ندارد، خداوند می‌فرماید **جَمِيعًا**؛ همه باهم. وقتی که در صفوف نماز جماعت مسجد محله حاضر می‌شویم، یعنی به **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا** عمل می‌کنیم، **جَمِيعًا** یعنی جمع شما را ببینم، وقتی در صفوف نماز جمعه و جماعت حاضر می‌شویم، تفسیر عملی **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا** حساب می‌شود، **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ** خدا این همه به شما نعمت داده، حواستان است؟! به ما می‌فرماید به یاد بیاورید، حواسی شما باشد، توجه کنید. **إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ** شما با هم دشمن بودید، با هم اختلاف داشتید، مخصوصا قبل از ظهور رسول گرامی اسلام ص آن جنگ‌ها، آن شمشیرکشی‌ها، آن خونریزی‌ها، آن غارت‌ها و فسادها اتفاق می‌افتاد؛ خداوند می‌فرماید ببینید پیغمبر ص آمد و شمایی که به روی همدیگر شمشیر می‌کشیدید، **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ** شدید؛ چقدر فرق می‌کند؟! این چقدر بهتر است، حالا دارید فدای همدیگر می‌شوید. طرف در جنگ داشت از تشنگی می‌مرد، برایش آب آوردند، گفت یک نفر جلوتر مجروح شده است و او از من تشنه

تراست، راوی می‌گوید من به سراغ او رفتم او هم آب را از من قبول نکرد، گفت یکی دیگر از من تشنه تراست، به سراغ او برو؛ هر کسی به دیگری حواله داد، بعد می‌گفت من رفتم آن آخری دیدم از دنیا رفته و به شهادت رسیده است. برگشتم دیدم که اینها هم یکی پس از دیگری همینطور به شهادت رسیده‌اند؛ چه موقع اینطور بود؟ زمان پیغمبر ص همین‌ها به روی همدیگر شمشیر می‌کشیدند. **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا** این نعمت خدا است که مردم ما همدیگر را دوست دارند، این نعمت خدا است که در یک گوشه مملکت ما زلزله شده است و عده‌ای بی‌خانمان شدند و مردم ما قرار ندارند، حال آنها را می‌پرسند، اکیپ‌های کمک برای آنها روانه می‌کنند، مردم با پول و مال خودشان به حمایت از آنها برمی‌خیزند؛ مثل این که به خودشان آسیب رسیده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد

روزگار دگر عضوها را نماند قرار ^۷

چنین روحیه‌ای دارند؛ بنی آدمی که ایمان می‌آورد، معلوم است که چه شرائطی پیدا می‌کند. پس باید به وحدت بسیار اهمیت بدهیم؛ اتفاقا الان هم دشمن همه سرمایه‌گذاری‌هایش را می‌کند تا وحدت ما را به هم بریزد، داعشی‌ها را برای نابود کردن وحدت مسلمین تولید کردند، اما بخاطر بیداری مسلمان‌ها سر آنها به سنگ خورد. هرچیزی که باعث اختلافات مذهبی می‌شود، از نظر دینی امانت‌دینی ممنوع است، حرام است، از نظر دینی اهانت کردن به مقدسات دیگران حرام است، ما حق نداریم اهانت کنیم.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا

بَغَيْرِ عِلْمٍ (الأنعام/۱۰۸)^۱

و آنهايي را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد

خدای متعال در قرآن می فرماید شما به مقدسات دیگران توهین می کنید، آنها هم به مقدسات شما توهین می کنند، آنوقت ما ضرر می کنیم که به مقدسات ما اهانت شود، ما حق نداریم توهین کنیم، توهین برای مسلمان ها نیست. به این موضوع هم توجه داشته باشیم که هر کسی که شعار اختلاف و تفرقه می دهد و یا کاری می کند که باعث تزلزل صفوف مسلمین می شود و ما را مقابل همدیگر قرار می دهد، فعل حرام انجام میدهد و این از نظر شرعی حرام است، خشم و غضب خدا را به دنیا می آورد، مخالف با دستور خدا است. **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** این آیه، آیه ای است که همه ما تقریباً بلد هستند.

چه چیزی برهم زننده وحدت است؟

اگر بخواهیم وحدت را به معنای واقعی کلمه داشته باشیم، باید در دو عرصه جدی باشیم: یک عرصه مبارزه با مفسد اخلاقی است؛ مثلاً رشوه وحدت ما را خراب می کند، حرام خوری وحدت ما را ضایع می کند، ثروت اندوزی به وحدت ما لطمه می زند؛ اگر مردم ببینند یک نفر در یک کاخ پنجاه میلیارد تومانی زندگی می کند و یک نفر دیگر در خانه ای زندگی می کند که به زور می تواند سرما و گرمای خانه را تأمین کند و اگر زلزله ای پیش بیاید، همین خانه سر او آوار می شود، وحدتشان خراب می شود، این فاصله ها وحدت را اذیت می کند، پارتی بازی وحدت را خراب می کند؛ اگر مردم ما ببینند که یک مسئولی که دستش یک جایی بند است، پسرش دخترش همسرش، پسر برادرش، پسر خواهرش، اقوامش همه مشغول هستند، بین آنها بیکاری دیده نمی شود اما یک بنده خدایی

که دستش به جایی بند نیست، بچه اش باید بیکار باشد، زندگی اش باید مختل باشد، برای یک لقمه نان حلال باید گرفتار باشد، اینها به وحدت لطمه می زند. باید کاری کنیم که این منکرات از جامعه ما برچیده شود و صفا، صمیمیت، دلسوزی، برادری بیشتر شود؛ برادری یعنی همین، برادری یعنی اگر بچه من بیکار است و بچه همسایه هم بیکار است و تنها یک شغل وجود دارد، من بگویم اول همسایه بعد من، **الْحَارِثُ ثُمَّ الدَّارُ**، فاطمه زهرا علیها السلام معلم ما است و به ما اینطور یاد داده است، ما هم این درس ها را یاد بگیریم، رفوزه این درس ها نباشید. غیبت به وحدت لطمه می زند، تهمت به وحدت لطمه می زند، تجسس در زندگی دیگران به وحدت لطمه می زند، ظلم و فساد هر نوع آن به وحدت لطمه می زند، اختلاس ظلم اقتصادی است و به وحدت لطمه می زند، ما باید با این بدی ها مبارزه کنیم.

وحدت را با چه چیزی تقویت کنیم؟

یک عرصه دیگر هم این است که ببینیم چه چیزی وحدت را تقویت می کند؛ ظهر که عجلوا بالصلاة می گویند من در مسجد محله حاضر باشم، این کار دل ها را به همدیگر پیوند می زند، این که مؤمنین همدیگر را ببینند و از حال همدیگر آگاه شوند، از اوضاع مملکت خود باخبر باشند، مطیع رهبر و امام و پیشوای خودشان بمانند، وحدت را تقویت می کند، تعظیم شعائر الهی وحدت را تقویت می کند. وقتی زلزله کرمانشاه اتفاق افتاد، شما دیدید که جاده ها ترافیک شده از بس که هر کسی ماشینش را بار زده و به کمک رفته است، سراسیمه التماس می کردند که نیاید، ترافیک شده است اما باز هم انگار به خرج مردم نمی رفت. اینها دل ها را به همدیگر متصل می کند، محبت ها را زیاد می کند. راجع به مسلمان ها دغدغه مند باشیم؛ می گویند

شرائطی برای معلولان و اشتغال آنها ایجاد شده است که می‌تواند در کشور حرف اول را بزند. حالا آنهایی که در خانه معلول دارند، بدانند که این تهدید نیست، این فرصت است، خدا کاری کرده است که تو پرواز کنی، اجر بیشتری ببری، زمینه خدمت به یک بنده خدا را داشته باشی، به این هم توجه داشته باشیم. معلولیت برای آن کسی که معلول است، هم فرصت است، می‌گویند خدا گرز حکمت بنده دَری^۱؛ زرحمت گشاید در دیگری اگر چشم را از یک نفر گرفته است، یک دل نورانی به او داده است. ما هم به او می‌گوییم روشن دل، اگر دست یا پا را از یک نفر گرفته است، اما توانمندی‌های دیگر به او داده است که آن را جبران می‌کند. شخصیت معلولان عزیز ما هم نشان می‌دهد که به خوبی دارند از این فرصت استفاده می‌کنند و توانمندی‌های خودشان را به هر شکلی به دیگران نشان می‌دهند.

شهادت آیت الله مظلوم و با بصیرت و مبارز مرحوم سید حسن مدرس، رحلت آیت الله عارف، حضرت آیت الله بهاء الدینی، شهادت طلبه مبارز میرزا کوچک خان جنگلی را در پیش داریم از خدا می‌خواهیم که همه این بزرگان را مشمول عنایت و رحمت خود قرار بدهد و فیض و لطف و عنایتش را شامل حال آنها کند.

آیت الله مجاهد، عالم وارسته و زاهد آیت الله شیخ عیسی قاسم در بحرین شرایط سختی دارد، مریض است، باید برایش در بیمارستان دواء و درمان جدی صورت بگیرد اما رژیم سفاک و خونخوار و نوکر آمریکانمی‌گذارد که مریضی این عالم پیرمرد بالای هشتاد سال درمان شود، ما مسلمان هستیم باید دغدغه داشته باشیم، اینها ما را باهم متحد می‌کند. وقتی من و شما همدیگر را می‌بینیم که پای قرآن هستیم، این قرآن عامل وحدت می‌شود؛ وقتی که می‌بینیم همه ما به ائمه عشق می‌ورزیم، باعث وحدت می‌شود؛ وقتی که در حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام همدیگر را می‌بینیم، محبت ما چند برابر می‌شود؛ وقتی که در راهپیمایی اربعین همدیگر را می‌بینیم، هرچه قدر هم که همدیگر را دوست داشتیم، بر محبت ما افزوده می‌شود، محبت اهل بیت علیهم السلام، نماز جماعت، صلّه رحم، حال همدیگر را پرسیدن وحدت می‌آورد. غیبت و تهمت جدائی می‌آورد، ما وظیفه داریم در این عرصه‌ها فعال باشیم.

خودمان را خادم معلولان بدانیم
ما باید خودمان را خادم معلولان قرار بدهیم، اگر خدا نعمت سلامتی داده است، این نعمت برای آنها هم است؛ ما باید از سلامتی خودمان برای آنها خرج کنیم، این وظیفه ما است. البته خوشبختانه در استان ما به همت بعضی از عزیزان بزرگوار

۱. الفقیه ۴: ۲۹۳ | ۸۸۷ | ۲. الرعد/ آیه شریفه ۲۸

۳. کل آیه: وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

۴. الأعراف/ آیه شریفه ۱۵۷

۵. کل آیه: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

۶. الحجرات/ آیه شریفه ۱۰ | ۷. سعدی

۸. کل آیه: وَلَا تَسْتَوُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَبَسِّئُوا اللَّهُ عَذَابًا يُغَيِّرُ عَلَيْهِمْ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۹. بوستان سعدی، چ یوسفی، ص ۸۷، ب ۱۳۲۲

سازمان جمعیت قرین

